

جایگاه عبادت و نماز در دین

تعریف «دین»

دین، مجموعه‌ای است به‌هم‌پیوسته و درهم‌تنیده که سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه را تضمین می‌کند، به عبارت کامل‌تر، دین، مجموعه (سیستم) حقایقی هماهنگ و متناسب از نظام‌های فکری (عقاید و معارف)، نظام ارزشی (قوانین و احکام) و نظام پرورشی (دستورات اخلاقی و اجتماعی) است که در قلمرو ابعاد فردی، اجتماعی و تاریخی از جانب پروردگار متعال برای سرپرستی و هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال می‌گردد.

جایگاه نماز در دین

با این‌که همه عناصر دین مقدسند، اما از نظر اهمیت، با هم متفاوتند. در جغرافیای دین، بعضی از عناصر، قلّه این سرزمین، برخی دامنه و بعضی دشت‌های منتهی به این سرزمین هستند. پیامبر عزیز اسلام (صلی الله و علیه و آله) در بسیاری از روایات «دین» را به پیکر انسان تشبیه کرده است؛ برای مثال، بعضی از اجزای دین را به «سر»، بعضی را به «چشم» و بعضی را به «دست» انسان تشبیه فرموده است. اگر بتوانیم به‌گونه‌ای جایگاه هر عنصر را در مجموعه دین شناسایی کنیم، به صورت معقول و متوازن وقت خواهیم گذاشت و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری خواهیم کرد. مثلاً اگر بدانیم نماز، حجاب و یا روزه از مسائل درجه یک هستند یا درجه دو یا درجه سه، این امر به ما کمک می‌کند برای چه بخش‌هایی از دین، وقت بیشتری بگذاریم. بنابراین، باید برای یافتن روش صحیح زندگی دینی، بیشتر تأمل کنیم.

اهمیت نماز در قرآن

قرآن کریم حدود هزار بار به موضوع «نماز» اشاره کرده است. در اسلام، چه در آیات قرآن و چه در احادیث به هیچ موضوعی به این اندازه پرداخته نشده است. حدود صد بار کلمه «صلوة» و مشتقاتش و حدود نهمصد بار کلمات مرتبط با نماز، مانند عبادت، سجده، قنوت، رکوع، قبله، غسل، تیمم، مسجد و... در قرآن آمده است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله) فرمودند: «وقتی به پیامبری رسیدم، اولین واجبی که از آسمان برای امت من فرود آمد، نماز بود». موضوعات دیگر مانند روزه، خمس، زکات بعد از سیزده سال در مدینه تشریح شده است، شاید حکم حجاب، حج، جهاد و... بعد از بیست سال آمده باشد، اما نماز از روز اول بوده است.

بنابراین، موضوعی که می‌خواهیم درباره آن گفت‌وگو کنیم، مانند اکسیژن در رگ‌های دین است. در قرآن کریم مسئله «نماز» در کنار توحید، نبوت و معاد آمده است. ما نماز را جزء فروع دین به شمار می‌آوریم، اما بر اساس فرهنگ قرآنی، نماز در کنار ایمان به خدا، ایمان به کتاب‌های آسمانی، ایمان به قیامت و ایمان به پیامبران آمده است. این امر، گویای نکته بسیار مهمی

است. سخنان پیامبر اسلام (صلی الله و علیه و آله) درباره نماز نیز جای بسی تأمل است؛ سخنانی نظیر: «نماز، سر دین است»^۱، «نماز، ستون دین است»^۲، «نماز، پرچم دین است»^۳ و «نماز، کلید بهشت است»^۴.

هدف خلقت انسان

قرآن کریم، فلسفه خلقت جن و انس را «عبادت» معرفی می‌کند. بدیهی است که یکی از مصادیق بلند عبادت، نماز است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي﴾^۵؛ جن و انس را جز برای عبادت نیافریدم.

فلسفه بعثت همه انبیای الهی

در سوره مبارکه «نحل» می‌خوانیم فلسفه بعثت همه انبیاء، دعوت به عبادت معرفی شده است: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا﴾^۶؛ ما برای هر امتی، فرستاده‌ای را اعزام کردیم، ﴿أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾؛ [اعلام کند که:] خدا را پرستید و از [پرستش] طاغوت بپرهیزید. بنابراین، نماز در دین حائز رتبه یک بوده و دارای جایگاه برجسته‌ای است.

ریشه‌های عبادت

۱. احساس فقر و نیاز

ریشه عبادت چیست؟ اولین ریشه عبادت، احساس فقر و وابستگی به پروردگار است. انسان، که قوی‌ترین و بااستعدادترین موجود این عالم است، به مبدأ و به پروردگار عالم محتاج است. دین راهی را پیش پای انسان نهاده است که نیاز خودش را با کسی که او را دوست دارد و بر او منت نمی‌گذارد و توانایی رفع نیاز را دارد، در میان بگذارد. دو بار در سوره مبارکه «بقره» این آیه آمده: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾^۷؛ ای انسان‌ها! در بحران‌ها و گرفتاری‌ها از صبر و نماز کمک بگیرید.

۲. تعظیم

ریشه دیگر عبادت، تعظیم به خداست. ما به طور فطری وقتی عظمت و زیبایی را می‌بینیم آن را تعظیم و تقدیس کرده و بزرگ می‌شماریم. امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «نماز یعنی تکبیر»؛ یعنی خدا بزرگ است؛ بزرگ‌تر از آنچه وصف شود.^۸ ما وقتی بنا، سیاره، و یا دستگاه بزرگی را می‌بینیم، مبهوت شده و لب به ستایش باز می‌کنیم. ریشه دوم عبادت، تعظیم به پروردگار است؛ یعنی این که ما در برابر پروردگار، کوچک هستیم.

^۱ الصلاة رأس الإسلام (بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۱۲۷؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۶۷). موضع الصلاة من الدین كموضع الرأس من الجسد (کنز العمال، ج ۷،

ح ۱۸۹۷۲).

^۲ الصلاة عماد دینکم (میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۰).

^۳ علم الإسلام الصلاة (کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹؛ ح ۱۸۸۷).

^۴ الصلاة مفتاح الجنة (نهج الفصاحه، ح ۱۵۸).

^۵ ذاریات: ۵۶.

^۶ نحل: ۳۶.

^۷ بقره: ۴۵ - ۱۵۳.

^۸ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۱؛ بحار الأنوار (ط. بیروت)، ج ۷، ص ۲۳۷.

۳. شکرگزاری

ریشه سوم عبادت، شکرگزاری در برابر نعمت‌های خداست. خداوند از روی مهرش ما را آفرید و نعمت‌های بی‌شماری در اختیار ما قرار داد. در قرآن آمده: ای انسان! هر آنچه در آسمان‌ها و در زمین است، برای تو آفریدم.^۹ هم‌چنین در قرآن آمده است: وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا؛^{۱۰} اگر بخواهید هدایای خدا را بشمارید، نمی‌توانید. این عبادت نوعی سپاس‌گزاری در برابر خدای مهربانی است که از روی مهرش این همه امکانات در اختیار ما قرار داده است.

آیات سوم و چهارم سوره «قریش»، فلسفه عبادت را سپاس‌گزاری از خدا می‌داند: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ﴾؛ مسلمان‌ها باید صاحب این خانه را عبادت کنند؛ ﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ﴾؛ همان خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد، ﴿وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾؛ و در ترس و پریشانی، امنیت را آورد.

علامه طباطبائی می‌گوید: آیه ۲۱ سوره «بقره»: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾، نیز همین شعار است که نماز، تشکر از خداست. خطاب آیه «یا ایها الناس» است؛ به عبارت دیگر، خطاب به مسلمانان نیست، خطاب به همه مردمان است. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ﴾؛ پروردگارتان را عبادت کنید، چرا که شما را آفرید. اگر کسی به شما گل، انگشتر، کتاب، سکه طلا و... هدیه بدهد، عکس‌العمل نشان می‌دهید. آیا نمی‌خواهید در برابر خدای هستی‌بخشی که شما و پدر و مادرتان را آفرید، هیچ احساسی داشته باشید. از آن خدایی که از آسمان برای شما باران می‌فرستد، به وسیله باران گیاهان را می‌رویاند، و رزق برای شما می‌فرستد، سپاس‌گزاری کنید. این هم یکی از ریشه‌های عبادت است.

۴. نیاز به مونس و رازگویی با پروردگار

یکی از نیازهای فطری انسان‌ها، نیاز به مونس و همدم است تا راز دلشان را با آن‌ها در میان بگذارند. گاهی اوقات نزدیک‌ترین افراد مانند مادر، برادر، دوست و... هم شایسته هم‌صحبتی و رازگویی نیستند. می‌گویند: رازی در دلم هست که می‌خواهم آن را با کسی که توانایی‌ها، آسیب‌ها، و گرفتاری‌های مرا می‌شناسد، در میان بگذارم تا او مرا آرام کند. بنابراین، یکی از ریشه‌های عبادت، رازگویی با پروردگار است.

سفارش به نماز در لحظات آخر عمر پیامبر اسلام (صلی الله و علیه و آله)

پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله)، اسلام را با نماز آغاز کرد؛ صبح روز دوشنبه بود که در غار حراء، پنج آیه اول سوره «علق» را دریافت کرد: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾.

از کوه پایین آمد. در دامنه کوه، جبرئیل مجدداً نازل شد و همان روز، اول دستور وضو گرفتن و نماز خواندن را آورد. ایشان، عمر گران‌بهای خویش را نیز با سفارش درباره نماز به پایان رساندند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «پیغمبر هنگام جان دادن، سرش بر سینه من بود و دلوایس نماز مسلمانان بود و این جمله را فرمود و از دنیا رفت: لَا تَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ وَ لَا يَرُدُّ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَ اللَّهُ؛^{۱۱} به خدا قسم، شفاعت من به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی‌رسد و بر حوض کوثر بر من وارد نمی‌شود.

۹. جاثیه: ۱۳؛ وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
۱۰. نحل: ۱۸.

۱۱. فتاوی نیشابوری، محمدبن‌احمد محقق، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۱۹؛ محاسن، ج ۱، ص ۷۹.

دوره آموزش آداب و اسرار نماز - ستاد اقامه نماز
سامانه آموزش مجازی مهرویت

عبادت

تعریف «عبادت»

به چه چیزی عبادت گفته می‌شود؟ هر کاری که به رنگ خدا باشد، برای خدا باشد و در راه خدا باشد، عبادت است. حتی خوابیدن، کار کردن، فکر کردن، درس خواندن و... این نوع نگاه، ما را در شاهراه حرکت به سوی خدا قرار می‌دهد.

عبادت از دیدگاه معصومان (علیهم السلام)

۱. عبادت از دیدگاه امام صادق (علیه السلام)

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ؛ عِبَادَتٌ فَقَطْ نَمَازُ خَوَانِدِنِ وَ رَوْزَهٗ گِرْفَتِنِ بَسِيَارٌ نَيْسَتْ؛ وَإِمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ؛^{۱۲} عِبَادَتٌ، فِكْرُ كَرْدِنِ دَرْبَارَةُ مَخْلُوقَاتِ وَ رُبُوبِيَّتِ خِدَاسَتِ.

۲. عبادت از دیدگاه پیامبر اسلام (صلی الله و علیه و آله)

رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) فرمودند: «عبادت، هفتاد قسم دارد که بهترین آن، کسب درآمد حلال است».^{۱۳} بنابراین، کار کردن از نظر اسلام، عبادت است.

از نظر اسلام، درس خواندن بهترین عبادت است. پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) در این باره فرمودند:

«مَنْ خَرَجَ يَطْلُبُ بَابًا مِنَ الْعِلْمِ لِيُرِدَّ بِهِ بَاطِلًا إِلَى حَقٍّ وَ ضَالًّا إِلَى هُدًى كَانَ عَمَلُهُ كَعِبَادَةِ أُرْبَعِينَ عَامًا»؛^{۱۴} عَمَلِ كَسِي كِه بَرَايِ آمُوخْتِنِ عِلْمِ از خَانِه‌آش بِيرونِ مِي آيِد تَا از باطلِ نَجَاتِ پيدا كِنْد وَ بِه سَمْتِ حَقِّ مَتَمَايِلِ شُود، مَانَد كَسِي اسْت كِه چهل سال بِه عِبَادَتِ پَرداخْتِه اسْت.

احادیث فراوانی درباره تشویق دانش‌آموزان به دست ما رسیده است و معصومان (علیهم السلام) کار ایشان را عبادت معرفی می‌کردند. هم‌چنین مطابق روایات، خدمت به مردم، انفاق به مردم، دستگیری از کار مردم و گره‌گشایی از مشکلات مردم، عبادت است.

به‌طور کلی، هر کاری که برای خدا باشد، به رنگ خدا باشد و ما قصدی جز خدا در آن کار نداشته باشیم، عبادت است. در حقیقت، خدا ما را برای همین آفرید که رنگ زندگی ما، الهی باشد، که اگر زندگی ما به این رنگ باشد با مُردن، تمام نمی‌شویم. قرآن کریم می‌گوید: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾؛^{۱۵} هر چیزی نابود می‌شود مگر وجه و راه خدا. پس کسی که برای خدا، به سوی خدا و به قصد خدا کاری را انجام می‌دهد، کارش ماندگار است.

و نیز پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) فرمودند: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ؛^{۱۶} انْتِظَارُ كَشِيْدِنِ شَخْصِيْتِي كِه بِه جَامِعَةُ بَشَرِي عَرْضِه خَوَاهِدِ شُد وَ جَامِعِه رَا از عَدْلِ وَ دَادِ پَر خَوَاهِدِ كَرْد، عِبَادَتِ اسْت.

^{۱۲}. بحارالانوار (چاپ بیروت)، ج ۶۸، ص ۳۲۵.

^{۱۳}. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۱.

^{۱۴}. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۰۱.

^{۱۵}. قصص: ۸۸.

^{۱۶}. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، ص ۷۸؛ القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۶۹.

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره عبادت

طهارت روح نام کتابی است که از سخنان شهید مطهری (ره) گرد آوری شده است. شهید مطهری (ره) در این کتاب می‌گوید: در امت‌های پیشین مثلاً در دوران جاهلیت، چه بسا مردم به سلیقه خودشان عبادت می‌کردند و به بت‌پرستی کشیده شده‌اند؛ از این رو، ما باید بدانیم قرآن کریم و خداوند چه نوع عبادتی از ما می‌خواهند. ایشان در این کتاب به چهار نوع عبادت اشاره می‌کنند.

الف) عبادت آگاهانه

اولین ویژگی عبادتی که از ما خواسته شده، عبادت آگاهانه است؛ بدانیم چه کار می‌کنیم. از آغاز اذان تا پایان نماز، تقریباً ۳۵ جمله مانند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ»، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و... وجود دارد. نمازگزار باید با آگاهی این عبارات را بر زبان جاری کند. «سَبَّحَانَ اللَّه» به چه معناست؟ یا مراد از «اللَّهُ أَكْبَرُ» چیست؟ «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» یعنی چه؟

ادله قرآنی و روایی عبادت آگاهانه

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾؛^{۱۷} در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید!

به بیانی دیگر، با آگاهی این عبادت را انجام دهید. انجام روزه، حج، زکات و... نیز باید با آگاهی همراه باشد.

فرق عبادت عالم با جاهل

در روایات آمده:

وَرَكْعَتَانِ مِنْ عَالِمٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً مِنْ جَاهِلٍ؛^{۱۸} دو رکعت نمازی که شخص آگاه می‌خواند، از هفتاد رکعت نمازی که شخص نادان می‌خواند، بهتر است.

اسلام از ما عبادت آگاهانه می‌خواهد. از امام کاظم (علیه السلام) روایت شده است:

الْمُتَعَبِّدُ عَلَى غَيْرِ فِئَةٍ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَ لَا يَبْرَحُ وَ رَكْعَتَانِ مِنْ عَالِمٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً مِنْ جَاهِلٍ؛^{۱۹} عبادت کننده و عمل کننده بدون علم مثل الاغ آسیاب است که دور می‌زند، و از جای خود حرکت نمی‌کند (درجا می‌زند، اگر هفتاد سال هم دور بزند وقتی چشمش را باز می‌کند، می‌بیند، در همان نقطه اول است. ای کاش ما هم در دنیا می‌فهمیدیم! بعضی از ما در دنیا هم نمی‌فهمیم که سر جای اول خود هستیم، یعنی گاهی از حیوان چهارپا هم پست‌تر و غافل‌تریم) و دو رکعت نماز از عالم بهتر از هفتاد رکعت از جاهل است. بنابراین، اگر آگاهی در عبادت نباشد، انسان رشد نمی‌کند.

^{۱۷}. نساء: ۴۳.

^{۱۸}. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۴۵.

^{۱۹}. بحار الأنوار (چاپ. بیروت)، ج ۱، ص ۲۰۹؛ الاختصاص، ص ۲۴۵.

ب) عبادت عاشقانه

دومین ویژگی نماز یا عبادتی که از ما خواسته شده، عبادت عاشقانه است. دو بار در قرآن از نماز منافقان بدگویی شده، که هر دو بار به سبب بی‌نشاطی آن‌هاست. نماز می‌خوانند، اما با بی‌رغبتی، سنگینی و به زور. می‌گویند: نماز خواندم، راحت شدم، پیامبر (صلی الله و علیه و آله) وقت نماز را انتظار می‌کشیدند، چرا که ایشان عاشق نماز بودند. بعضی افراد در آستانه ماه رمضان ناراحت هستند؛ می‌گویند: الآن که ماه رمضان مقارن با فصل تابستان است، چگونه روزه بگیریم؟ در حالی که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله) به استقبال ماه رمضان رفته و تشنگی و گرسنگی این ماه را موجب رشد نفس خود می‌دانستند. هم چنین اگر کسی خمس و زکات را با بی‌رغبتی و بی‌نشاطی ادا کند، معلوم نیست چقدر پاداش داشته باشد.

ج) عبادت خالصانه

ویژگی سومی که برای عبادت از ما خواسته‌اند، عبادت خالصانه است. به این معنا که عبادت فقط برای خدا باشد؛ برای خوش‌آیند افراد و نمره و امتیاز نباشد. برای این که آن آقا دخترش را به من بدهد، نباشد. از روی ترس از فرمانده و مدیر نباشد. انسان مخلص می‌گوید: خدایا! تو شاهدی که من فقط به خاطر تو و برای جلب رضایت تو نماز می‌خوانم. دیگران چه مرا ببینند و چه مرا نبینند، نمازم را می‌خوانم؛ من بنده تو هستم و تو خالق منی.

دلیل قرآنی بر عبادت خالصانه

خداوند در سوره مبارکه «کَهِف» می‌فرماید: ﴿وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾^{۲۰} نباید برای عبادت خدا، احدی را شریک قرار دهی. هم برای خدا نماز می‌خوانم هم برای مدیر، یا هم برای خدا نماز می‌خوانم هم برای فرمانده و یا هم برای خدا نماز می‌خوانم هم برای این که در این محیط بخاری است! این نمازها باطل است. در رساله‌های عملیه نوشته شده است: اگر کسی واجبات یا مستحبات نماز را برای غیر خدا انجام دهد، باطل است. مثلاً هنگام نماز انگشتر عقیق به دست می‌گذارد تا کسی ببیند، یا نماز را اول وقت می‌خواند، برای این که کسی ببیند، یا آهنگ صدایش را عوض می‌کند و یا در خانه با سرعت نماز می‌خواند، اما هنگامی که مهمان می‌آید، آهسته نماز می‌خواند. این نمازها باطل‌اند. چرا که تمام شیرینی نماز به این است که فقط برای خدا باشد. امام خمینی (ره) فرمودند: مأموران شاه نیمه‌شب (پیش از اذان صبح) مرا از قم به سمت تهران آوردند. بین راه قم و تهران، من گفتم: نماز نخواندم؛ نگه دارید نماز بخوانم! گفتند نه، اجازه نداریم. گفتم: خوب ترمز کنید با خاک کنار جاده تیمم کنم. امام (ره) گفتند: نمازی که آن روز خواندم، پشت به قبله، با تیمم و دم دمای طلوع آفتاب بود. اما امیدم به همان نماز است، چون آن کسی که باید بداند، می‌داند؛ آن کسی که باید آن نماز را ببیند، دیده است.^{۲۱}

د) عبادت خاشعانه

خداوند متعال عبادت خاشعانه از ما می‌خواهد، یعنی عبادت باید با فروتنی همراه باشد.

۲۰. کَهِف: ۱۱۰.

۲۱. طباطبایی، فاطمه، کتاب‌القلیم خاطرات.

دلیل قرآنی عبادت خاشعانه

قرآن مجید می‌فرماید:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾^{۲۲} قطعاً مؤمنان رستگارند؛ مؤمنانی که در نمازشان خاشع و افتاده‌حالند.

این افراد در حضور خدا گردن‌کش نیستند و خودشان را به حساب نمی‌آورند. با تمام وجود اعلام می‌کنند: پروردگارا من کسی نیستم، من چیزی نیستم، هر چه دارم از توست. هر چه می‌کنم به قوت و حول توست.